

تاریخ تشکیلات سیاسی و حقوقی در جهان

۷

تاریخ تشکیلات سیاسی و حقوقی در یونان قدیم

قبلا اشاره شد نخستین مردمی که در علم سیاست و حقوق با آزادی کامل اصول و قواعدی وضع کردند یونانیها بودند زیرا فلسفه یونان بکلی از مذهب جدا بود روی همین اصل یونانیها با آزادی توانستند همدوش با سیر مدنیّت بشر در سیر تکاملی قواعد و اساس نظامات سیاسی و قوانین مدنی بکوشند چون مقداری از فلسفه سیاسی و حقوقی یونان مقتبس از مشرق زمین است ناچار مقدمه در فلسفه سیاسی مشرق زمین خاصه مصر قدیم و بابل بحث مختصری بعمل آمد اینک میپردازیم به تشکیلات سیاسی و حقوقی در یونان قدیم و این مبحث را دنبال خواهیم کرد تا زمان معاصر و از آن پس بمشرق زمین برگشته و از طلوع اسلام و تحولات حاصله در نظامات و قوانین و فقه اسلامی بحث خواهیم کرد و ما توفیقی الا بالله.

قبلا لازم است بطور مختصر وضع جغرافیائی یونان قدیم معلوم شود زیرا اوضاع طبیعی و جغرافیائی هر کشور در مدنیّت و نحوه حضارت مردم آنکشور تأثیر بسزائی دارد چنانچه قسمتی از روح ابتکار در تشکیلات سیاسی و مبادی آزادی و حکومت مردم بر مردم در یونان قدیم مولود اوضاع جغرافیائی آنست.

یونان قدیم

یونان شبه جزیره تنگی است که بین دودریای ایونی و اژه قرار گرفته و در اثر

وجود کوه‌های متعدد شبه جزیره مزبور بنواحی کوچک بسیاری تقسیم گردیده که تمام آن نواحی از یکدیگر مجزا و ممتاز میباشند.

سواحل دریای اژه بریدگی زیادی دارد و از این گذشته در آن دریا جزائر بسیار نیز دیده میشود یونان قدیم از اروپا تا آسیای صغیر کشیده میشد مرکز آن بحر اژه بود هوای یونان درخشان و صاف و معتدل میباشد لذا منظره آن همیشه باز و تمیز است.

در میان مللی که در اروپا استقرار یافته اند ملت یونان اولین قومی هستند که موفقیتی بی نظیر در تاریخ احراز نموده اند.

آشنائی بظهور تمدن اروپا مستلزم مطالعه ودقت در کیفیت پیدایش تمدن یونان قدیم و تاریخ آن ملت است اروپائیان نظریات و طرز تفکر خود را بیشتر از مردم یونان گرفته اند عالترین عواطف بشری که پیروی عقل و وطن پرستی و آزادیخواهی و عشق بزبائی است در اروپا یادگار یونان قدیم است.

ملت یونان باقتضای موقعیت مناسب جغرافیائی که داشتند در جنوب شرقی بحر الروم بخوبی در راه سیر تکاملی تمدن از عهده بر آمدند بوسیله دریا با آسیا رابطه داشتند از آنجا مطالب و اصولی میآموختند و با ذهن و قاد خود در ابداع تمدن تازه خود آن اصول را بکار میبردند.

بالتیجه در خاک یونان تمدن قدیم النظیری بوجود آمد که موجب حیرت دنیای امروز گردیده گرچه عوامل طبیعی مؤثر در پیشرفت آن تمدنیت عظیم بود ولی عامل قوی استعداد ذاتی افراد ملت یونان قدیم در ایجاد چنان موفقیتی بوده.

مردم یونان بقوم هلن معروف بودند و بگفتار خودشان اهل هدان محل بودند ولی در واقع از سمت شمال باین سرزمین آمدند و از خویشاوندان اقوام مد و پارس بودند و دسته‌ای از اقوام ارین یا هندو اروپائی میباشند که قبلا بهجرت آنها اشاره شد.

ملت یونان از حیث استعداد دفاعی و سرعت درك مطالب و علاقه کامل بکشف حقایق و هنر و ابداع و خلق اشیاء در میان تمام ملل در رتبه اول قرار داشته اند.

تاریخ یونان از تواریخ ملل قدیمه شرق کاملتر میباشد زیرا در آن کشور مورخین متعدد بودند که معروفترین آنها هرودوت و توسیدید میباشد که در قرن پنجم قبل از میلاد زندگی میکردند ولی دیگر ملل فاقد چنین شخصیتها بودند البرماله در تاریخ ملل شرق و یونان مینویسد یکنفر آلمانی در سال ۱۸۷۰ میلادی بنام شلیمان در آسیای صغیر محل شهر قدیم (ترواله) و پس از آن در آر گلید حفریاتی نمود و از نتیجه حفریات او معلوم شد که تمدنی کهن تر از مدنیت یونان وجود داشته است و همچنین نتیجه کاوشها و حفریات (اونس) یکی از علمای انگلیس در جزیره کریت سال ۱۹۰۰ وجود مدنیت اقدم بر مدنیت یونان را ثابت نمود در اینصورت محققین از مورخین معتقدند چنانچه البرماله مینویسد در حدود هزار سال پیش از آغاز تاریخ یونان دولت مقتدر بحری در کریت وجود داشته و در جزیره کریت مدنیت درخشانی بوده است که دامنه آن تمدن بیونان رسیده.

کریت جزیره ایست بمساحت هشتصد کیلومتر مربع که دارای جلگه های حاصلخیز و جبال مرتفع میباشد و بلندترین قله آن کوه (ایدا) هست این جزیره چون در جوار مصر و آسیای صغیر و یونان قرار گرفته موقعیت ممتازی دارد.

نام یکی از سلاطین قدیم کریت بنام مینوس در تاریخ مشهور است چنانچه توسیدید مورخ یونانی مینویسد مینوس قدیمترین پادشاهی بود که بجهت خود بحریه ترتیب داد و اقتدار خود را در قسمت اعظم دریای اژه مستقر نمود.

دولت کریت در نتیجه حوادثی که هنوز بر مورخین مجهول است در حدود ۱۴۰۰ سال قبل از میلاد منقرض گردید ولی تمدنی که هزار سال در کریت استقرار یافته بود بکلی از بین نرفت چون بسیاری از سکنه سواحل دریای اژه تحت نفوذ تمدن کریت قرار گرفته بود و مردم این سواحل صنعت و هنر تزئین منزل و تجارت و اصول دریا نوردی را از اهالی کریت آموخته بودند و مقدمه تمدن یونان پس از کریت از شهر ملیس شروع شد زیرا پس از آنکه در هزار سال دوم قبل از میلاد قوم هلن که دسته از اقوام ارین بودند و بیونان هجوم آوردند و مصرف مس و مفرغ را دریافتند

وشهرهائی چند احداث نمودند چون میسن در کوهستان و کنار گردنه قرار داشت که راه ار گلید را بخلیج کریت بسیار نزدیک میکرد و از این جهت تجار این راه را اختیار میکردند ملوک میسن از موقعیت استفاده کرده از کاروانها راهداری میگرفته تجاری که از این طریق آمد و رفت میکردند بسیاری از اهل کریت بودند مردم با هوش میسن که همان اقوام هلن بودند از هنرمندان کریت در ابنیه و قصور مستحکم و نقاشیهای زیبای کریت استفاده کرده و جمعی از هنرمندان کریتی را جلب نمودند و بالتیجه تمدن میسن جایگزین همان تمدن کریت گردید.

یونانیها در تمام طول تاریخ در جائی ثابت و مستقر نبودند همواره وطن خود را ترك و در سواحل دور و نزدیک رحل اقامت میافکندند فلسفه این امر را مورخین جهات متعددی ذکر کردند از آن جمله دو علت را اهم از همه علل دانسته اند یکی هجوم مردمی تازه وارد و دیگری اغتشاش داخلی غالب مردم یونان در مقابل حملات اقوام وحشی ایستادگی نمیکردند لذا با دارو دسته مهاجرت کرده در قسمت دیگری از ساحل مستقر میشدند چنانچه استقرار مردمی از یونان در آسیای صغیر نتیجه هجوم و تطاول قوم دروس بود که حدود قرن دوازدهم در یونان اتفاق افتاد و همچنین پس از ششصدسال سکنه یونان آسیای صغیر بمناسبت کوروش کبیر هجرت نمودند. ولی بیشتر اختلاف طبقاتی سبب هجرت یونانیها از محل خود میشد زیرا حکومت و اراضی بمرور تعلق بچند خانواده میگرفت دیگران ناراضی میشدند و برای بدست آوردن مال و منال آنها هجرت میکردند.

در نظر مردم یونان قدیم عمران و آبادی در امور دینی بود و میبایست بر طبق مراسم و تشریفات مذهب شالوده آبادی ریخته شود مردم یونان در هر کجا که شالوده آبادی ریخته اند شهری مستقل گشته و جزء مملکات یونان قرار گرفته است با این ترتیب مردم یونان در سواحل بحر الروم پراکنده گشته و شهرهای مستقل و متعددی بوجود آوردند و اغلب با یکدیگر هم چشمی و رقابت میکردند با این وصف چون علاقه خویشاوندی بین آنها بود خود را از اعضای يك طایفه بزرگ

میدانستند هرودت بیانی از زبان مردم آتن ضمن شرح جنگهای مدی نقل میکند که مجموع قوم هلن بمنزله پیکری است که از یک خون پرورش یافته و بیک زبان سخن میگویند و از حیث تشریفات مذهبی یکسان هستند آیا موجب شرمساری نیست اگر مردم آتن باین پیکر خیانت کنند .

بین یونانیها در عین حال رقابت شدیدی وجود داشت زیرا در نظر هر فرد یونانی عشق و علاقه شدید نسبت به شهر خود بر همه چیز مقدم بود لذا در مواردی که اجنبی بآنها حمله میکرد تمام اهالی یونان علیه اجنبی قیام میکردند ولی پس از آن بین بلاد خود یونان شقاق و اختلاف و خونریزی بطور دائم برقرار بود هنگامیکه ایرانیان بخاک یونان حمله کردند تمام اهالی یونان اتفاق کرده و از آزادی مشترک قوم هلن دفاع نمودند پس از آنکه خطر رفع شد اتفاق را از دست داده دوباره برادر کشی مشغول شدند تاریخ یونان قدیم نیست مگر یکرشته خون ریزی های دائم بین شهر های آن بخصوص اهالی اسپارت و آتن که همواره بر سرمقام اولویت دائماً نزاع و جنگ داشتند .

اسپارت و نظامات آن

مردم اسپارت جنگ آور ولی از تیره دروس بودند که خاک لاکونی را تسخیر کرده و اهالی آنرا برعیتی و غلامی خود گرفته بودند اسپارت دارای نظامات و مقررات خاصی بود که سلحشوران دروس با ایمان محکم آن مقررات را اجرا میکردند روی همین اصل بر مردم بومی لاکونی که از حیث تعداد بر آنها غلبه داشتند مسلط گشته و بر آنها حکمفرمائی کردند مرد فکور و دانشمندی بنام لیکورگ که در مصر و آسیا مسافرت کرده بود بوضع مقررات و نظامات اسپارت مبادرت کرد و چون این شخص مورد احترام قوم دروس بود با ایمان کامل نظامات او را پذیرفتند و بموقع عمل گذاردند بموجب روایتی لیکورگ شاهزاده بلا فصل اسپارت بود و بواسطه تقوائی که داشت از عنوان سلطنت دست کشید و آنرا برادرزاده خود که تحت ولایت او قرار داشت واگذار نمود .

قوانین لیکورگ مجموعه بود از احکام و مقرراتی که تملک اراضی و اداره شهر را تمسیت میداد حتی مقرراتی نسبت بتشکیل خانواده و تربیت اطفال و امور معاش مردم در آن مجموعه مقرر بود .

منظور لیکورگ از مجموعه آن مقررات عادت دادن مردم باصول رزم آرائی و جنگ آوری برای تأمین سلطه قوم دروس بر لا کونی بوده است .

اسپارت بموجب این مقررات در حکم سر باز خانه و مردم آن حال سر باز آماده را داشتند زیرا اگر مردم اسپارت همیشه مسلح نبودند و بحال آماده باش قرار نداشتند نمیتوانستند سلطه خود را در لا کونی ثابت نگاهدارند زیرا جمعیت آنها در در مقابل لا کونیا بسیار کم بود طبق مقررات لیکورگ اسپارت بوسیله مجلس شیوخ اداره میشد .

مجلس شیوخ از مردانی تشکیل مییافت که بیش از شصت سال داشتند این مجلس بیست و هشت نفر عضو داشت که با شرایطی انتخاب میشدند و تکلیف اسپارت را در حال جنگ و صلح بوسیله مقرراتی تعیین میکردند .

مردم اسپارت بحفظ آثار قدیم علاقه شدید داشتند و همواره اصول سلطنت در آن شهر محفوظ بود سلاطین در مراسم و تشریفات مذهبی ریاست داشتند و فرمان قشون با پادشاه بود ولی سایر اختیارات در دست مجلس شیوخ و مفتشین بود .

برای اداره شهر بقدر کفایت مفتش منصوب میشد مدت ماموریت آنها یکسال بود مفتشین حق تفتیش همه کس از شاه و اولیای امور تا مردم عادی را داشتند هر کس را مقتضی میدانستند تفتیش نموده و به محاکمه دعوت میکردند و اختیار آتش را میگرفتند و جریمه و مجازات مینمودند هر فرد اسپارتی که بسن سی سال می رسید حق شرکت در مجلس عمومی را برای انتخاب اولیای امور شهر داشت در این مجالس عمومی با رأی علنی انتخاب میشدند .

مع الوصف شهر اسپارت بوضع نظامی اداره میشد مردم اسپارت طبق قوانین لیکورگ باطاعت عادت کرده بودند حتی در ایام صلح هم مانند زمان جنگ تابع نظم و نسق نظامی بودند و از لحاظ تنظیم و تنسیق شهر اسپارت در یونان رتبه اول

را دارا بود و همه مردم آن جنگ آور و سلحشور و تربیت شده بودند تربیت کودک اسپارتی تا هفت سال بعهده مادر بود مادران بآنها عادت میدادند همه چیز بخورند و از هیچ چیز واهمه نداشته باشند در هفت سالگی دامن مادر را ترك میگفتند و در فوج کوچکی که بسرپرستی یکی از اطفال باهوش و پرحرارت اداره میشد قرار میگرفتند در این مکتب یا سر باز خانه با اطفال اداره نطق و خطابه و مشقهای بدنی از قبیل دویدن و جستن و زوبین پراندن تعلیم میدادند و پس از آن در بکار بردن سلاحهای جنگی مجرب میشدند.

این نوع تربیت منحصر بپسران اسپارتی نبود بلکه دختران اسپارتی که بایستی همسر و مادر سر باز شوند از لحاظ تربیت کمتر از پسران نبودند بلکه همپای پسران میبایست ورزش بدنی نموده و در مسابقاتشان حضور یافته و شرکت نمایند دختران پیراهنی کوتاه میپوشیدند تا در حرکات دست و پایشان بجائی بند نشود و در مسابقات پسران شرکت میکردند این طرز تربیت دختران در نظر سایر مردم یونان موجب تمسخر بود ولی مردم اسپارت تحت تأثیر تمسخر آنان قرار نمیگرفتند و لذا زنان اسپارتی در مردانگی کمتر از مردها نبودند و در نظر آنها عشق بوطن مقدم بر محبت مادری بود.

آتن و نظامات آن

بطوریکه ملاحظه شد نظامات اسپارت جنبه نظامی و جنگ آوری داشت بعکس آن مردم آتن مردمی سوداگر و تاجر بودند ذوق و هنرمندی آنان و حکومت مردم بر مردم از خصائص آنها بود.

در اسپارت هر کس که بهره از حقوق اجتماعی داشت مکلف بود بفن سر بازی و جنگ آوری بپردازد لکن مردم آتن مفتون آزادی و مساوات و تجارت بودند.

تاریخ آتن از سایر قسمتهای یونان روشنتر مانده و کاملاً نشان میدهد که با چه وضعی حکومت سلطنتی بر حال و بزرگان آتن رسید چون در دوره اول با رژیم سلطنتی اداره میشد نجیبزادگان و شیوخ آتن که مالکین عمده آتن بودند با رژیم

حکومت فردی مخالفت میورزیدند و این کشمکش و انقلاب بین طرفداران رژیم سلطنت و حکومت فئودالیتہ در قرنہای ہفتم و ہشتم ادامہ داشت تا بالاخرہ نجیب-زادگان و مالکین عمدہ پیروز شدند و ادارہٴ امور کشور آتن بعمدہ نہ نفر والی قرار گرفت .

ولایت مزبور از نجیبزادگان برای مدت یکسال انتخاب میشدند و پس از یکسال کہ دوران حکومت آنان سپری میشد از نجیبزادگان دیگر بجای آنان نہ نفر انتخاب میشدند و ولایت سابق بعضویت مجلس اعظم آتن کہ محکمہ عالی نیز نامیدہ میشد و نظارت بر امور ولایت داشت مپیوست .

با این وصف حکومت فردی تبدیل بحکومت یک اقلیت بنام نجیبزادگان کہ مالک عمدہ اراضی و املاک آتن بودند گردید طبقہٴ حاکمہ کہ خود مالک و حاکم بودند طبقہٴ اکثریت کہ زارعین و کارگران را تشکیل میداد تحت فشار قراردادند غالباً این طبقہ از مردم کہ شاید با حقوق مختصر یا سہم ناچیزی از محصول بزراعت یا کار مشغول بودند . سہم عمدہ در آمد املاک متعلق بہ مالکین کہ طبقہٴ حاکمہ بودند بود درین سال زارع و کارگر برای امرار معاش خود معطل میماند و مبلغی از مالک قرض میکرد چون توانائی پرداخت آنرا نداشت طبق قوانین و مقررات روز درازاء دین خود بملکیت دائن درمیآمد و فردی مملوک میگردد و این طبقہ از مردم رنجبر و زحمتکش مانند کالای تجارتنی دست بدست میگشتند و در بعضی موارد آنہارا بخارجیہا یعنی مردم سایر کشورہا میفرستند قہراً این اختلاف و شکاف بزرگی کہ بین یک اقلیت محدود و اکثریت قاطع ایجاد شدہ موجب عدم رضایت مردم آتن گردید و این کشمکش ہامنجر بقوانین در اکن گردید برای رفع این اختلافات و اسکات مردم مقرر شد قوانینی وضع گردد کہ رواج مردم طبق آن قوانین بعدالت استقراریا بدراکن کہ یکی از ولایت و ملاکین بود ما مور تنظیم قوانین گردید و مجموعہ از قوانین تدوین نمود چون خود در اکن باطناً طرفدار مالکین و متمولین بود پس از تحصیل اختیار قوانینی وضع نمود بسیار سخت و غیر قابل تحمل کہ ہنوز ہم کلمہ (دراکنی) در اصطلاح اہل حقوق بمعنی قوانین سخت و مشکل استعمال میشود چون در جریان عمل معلوم شد کہ قوانین در اکن

قابل تحمل نیست لذا بین طبقات توافق شد که در قوانین بوسیلهٔ دانشمندان و صالحترین فرد آتن تجدید نظر گردد و تنها فردی که در آن زمان با این خصوصیات میتوانست منطبق باشد شخصی بنام (سولون) بود گرچه سولون از نجیب‌زادگان آتن بود ولی ثروتی نداشت و سیلهٔ تجارت و کسب زندگانی خود را اداره میکرد مسافرت‌های بسیاری برای کسب دانش با آسیا کرده بود و مردی دانا و معجرب بود. در بین مردم بفضل و تقوی معروف بود و روی همین اصل با توافق آراء برای تنظیم قوانین و اصلاح تشکیلات کشوری آتن انتخاب شد علاوه مردم آتن قسم یاد کردند که تا یکصد سال قوانین موضوعه سولون را محترم شمرده و بآن عمل نمایند. سولون پس از این مقدمات در مقام برآمد که قوانینی وضع و مقرر دارد که تعادل بین تمام طبقات رعایت و محفوظ بماند چنانچه ضمن اشعاری که خود سولون سروده است چنین میگوید (من در میان ایستادم و هر دو طرف را در پناه سپر محکمی قرار دادم و نگذاشته‌ام هیچکس از دو طرف بی‌جهت مغلوب شود).

اصلاحات

سولون از طرق متعدد شروع با اصلاحات نمود اهم از همه وضع مطالبات و دیون طبقه کشاورز بمالکین بود سولون در این مورد بخشش ملاکین واقعی نگذاشت و یکباره خط بطلان بر تمام دیون کشید و بدهکارانی که در مقابل دین خود مملوک و بنده شده بودند آزاد شدند و این حق را هم برای آینده از طلبکاران سلب نمود و بموجب قانون سولون، طلبکار حق داشت از اموال مدیون استیفاء طلب نماید دیگر از قوانین تدوینی سولون برای جلوگیری از فقر عمومی، رواج صنعت بود طبق قانونی پدران بی بضاعت را مکلف نمود که حرفه و صنعتی بفرزندان خود بیاموزند سولون مردم و افراد آتن را بچهار طبقه تقسیم نمود و از بین طبقات مجلس شورای آتن از چهارصد نفر تشکیل داد که افراد آن مجلس از طبقات باراء عمومی انتخاب میشدند و وظیفه این مجلس آن بود که مقررات و امور اجتماعی را مورد بحث قرار داده و پس از آنکه کاملاً حلاجی میشد بتصویب آراء عمومی میرسید.

برای تصویب این نوع از مقررات عمومی تمام افرادی که از حقوق اجتماعی بهره‌مند بودند در آراء عمومی شرکت میکردند و رأی میدادند .

با این کیفیت سولون مقدرات نوعی ملت را بدست خودشان سپرد قبل از اصلاحات سولون قضاوت منحصر باعظم و نجیب‌زادگان بود سولون بموجب قانونی مقرر داشت قضاات از بین چند نفر که لیاقت قضاوت را دارا بودند با قرعه انتخاب شوند بنا بر این قضاات که مدت خدمت آنها معلوم بود از افراد شایسته با قرعه انتخاب میشدند .

قابل تردید نیست که مقررات اصلاحی سولون با منافع يك اقلیت متعقد و توانا که با استعمار اکثریت ملت تماس مستقیم داشت سازگار نبود با اینکه اختیارات سولون ناشی از خود آن اقلیت هم بود و حتی قسم یاد کرده بودند که مقررات سولون را محترم بشمارند بر خلاف خود طبقه حاکمه گذشته که از نجیب‌زادگان و ملاکین بودند با سولون مخالفت ورزیدند بدعوی اینکه سولون در وضع مقررات تندروی کرده و بعنوان مختلف افکار را علیه سولون تحریک کردند ناچار سولون برای مدتی برای تسکین افکار از آتن خارج شد مخالفین تصور کردند با خروج سولون بعقب برگشته و موقعیت از دست رفته خود را باز خواهند یافت غافل از آنکه بذری که با رعایت مصالح نوعی و اجرای عدالت کشته شود ریشه آن در قلوب تمام افراد دویده و خواهی نخواهی با قدرت اجتماع جای خود را باز نموده و بارور خواهد شد خروج سولون از آتن مشأً بروز انقلاباتی در آتن گشت تا منجر بقیام پنیسترات گردید .

گرچه پنیسترات نیز از متمولین و نجیب‌زادگان با سابقه آتن بود لکن صلاح خود را در دفاع از حقوق عامه تشخیص داده بود علاوه مردی بذال و با سخاوت بود و علاقه و عشق مفرطی هم بجاه و مقام داشت و تا اندازه مورد قبول عامه بود بنا بر نقل هرودت تدبیری برای بدست آوردن قدرت و جلب توجه عامه بکارمی برد روزی پنیسترات در خارج شهر چند زخمی بخود زد و با ارا به مانند کسیکه فرار کرده بمیدان عمومی شهر آمده و چنین عنوان کرد که دشمنان ملت و مخالفین

اصلاحات بجرم طرفداری عامه او را زخمی کرده و قصد کشتن او را داشتند و او موفق بفرار شده است و از ملت درخواست کرد که پاسبانانی برای حفاظت و تعیین کنند که او را محافظت نمایند مردم تحت تاثیر این تدبیر قرار گرفته و او طلب حفاظت او شدند پینریسترات پاسبانان خود را مسلح نمود و بکمک آنان اختیاراتی تحصیل نمود با داره شهر آتن پرداخت پینریسترات در مقام تعویض مقررات و قوانین سولون بر نیامد بلکه آن مقررات را که مردم محترم می‌شمرند تقویت کرد و بآن وسیله با حسن تدبیر بآتن تمسیت بخشید پینریسترات در اندک مدتی زمام امور آتن را بدست گرفت و با کمال ملایمت و اعتدال نسبت با کثرت مردم رفتار می‌کرد و با اصلاحات سولون کمال احترام را می‌گذاشت باین ترتیب نهال مساوات و حکومت مردم ب مردم بوسیله سولون در آتن غرس گردید گرچه آراهش آتن موقتی و محدود بحیات پینریسترات بود و پس از آن جمعی از نجیب زادگان که مخالف رویه پینریسترات بودند در مقام معارضه و کشمکش بر آمدند و انقلابات خونینی بوقوع پیوست تا آنکه کلیستن یکی دیگر از نجیب زادگان با اتکاء نیروی ملی و طرفداری ملت زمام امور را بدست گرفت و اصلاحات جدیدی در تشکیلات لشگری و کشوری آتن داد بطوریکه قبلاً گفته شد سولون ملت را بچهار طبقه تقسیم نمود و از بین چهار طبقه مجلس شورای چهارصد نفری تشکیل داد کلیستن بمنظور بسط آزادی بیشتر و اینکه مساوات کاملتری بین مردم حکم فرما باشد و کلیه افرادی که از حقوق اجتماعی بهره‌ور می‌باشند بهم پیوسته گشته و بتوانند تمام افراد اعم از نجیب زادگان و طبقات دیگر بطور تساوی در مقدرات ملی خود شرکت کنند مقرر داشت اتیک بیکصد ناحیه تقسیم گردد و افراد هر ناحیه‌ای که در آن ناحیه سکونت دارند نام آن ناحیه را بدنبال اسم خود بیفزایند و هر ناحیه هم بده عشره متقسم گردید هر یک از این عشایر و نواحی تعدادی نمایندگان منتخب خود را که برای عمومی انتخاب می‌شدند بمرکز می‌فرستادند و تعداد نمایندگان منتخب را از چهار صد نفر بپانصد نفر اضافه نموده ریاست محاکم و جشن‌های مذهبی مانند سابق بعهده

ولات بود ولی ده نفر حکام تازه در تشکیلات افزوده شد که مستقیماً از جانب ملت انتخاب میشدند و ریاست قشون را عهده‌دار بودند باین وسیله کلیستن مردم را بیشتر در امور عمومی کشور شرکت داد و روح وطن پرستی آنان را تقویت نمود زیرا اهالی همه با هم طبق این مقررات هم‌شان گشته و در حل و فصل امور کشوری کنواخت شرکت داشتند چنانچه مردم آتن بر همسایگان خود مانند ثبوسی غلبه کردند و بتصرف در آوردند تا بالاخره در جنگهای مدی مهمترین و عالیترین مقامات نصیب آنان گردید.

کوروش کبیر شاهنشاه ایران که وسعت کشور خویش را تا دریای اژه بسط داد بفکر تسخیر یونان افتاد ولی مردم یونان با وجود کمی عده زیر بار نرفته بالاخره در بار آتن و سالامین و پلاته جلوی هجوم ایرانیان را گرفته در این مبارزه مهم افتخار نصیب دو شهر اسپارت و آتن گردید.

اسپارت و آتن مهمترین شهرهای یونان بشمار می‌آمدند بطوریکه گفته شد اسپارت مقرر قومی جنگ آور و طبق قوانین لیکورگ با اصول نظامی اداره می‌شد ولی آتن متوجه باصول آزادی و تجارت و صنعت و زراعت بود و با نیروی بحری و دستی که در دریا داشتند ثروتی اندوختند و با اصلاحات پنیسترات و بسط اصلاحات کلیستن آتن حکومت عامه یافت و در قدرت هم - هم پایه اسپارت گردید. پس از جنگهای مدی رقابت شدیدی میان بلاد یونان بخصوص اسپارت و آتن بوجود آمد و این کشمکش داخلی آنها را عموماً ضعیف نمود تا اینکه آتن با قدرت بحریه خود بر اسپارت تفوق یافت ولی این زد و خورد بین بلاد یونان ادامه داشت بالاخره پادشاه همسایه شمالی یونان که کشور نیمه یونانی بنام مقدونیه بفکر افتاد که از ضعف بلاد یونان بنفع خود استفاده کند و لذا فیلیپ به بهانه جنگ مقدس در امور یونان دخالت کرد و قشون آتن و تب را در گردنه‌از بین برد و علاوه از تسخیر یونان نقشه جنگ با ایرانیان و تسخیر ایران را در سر می‌پرورانند که پس

از گذشته شدن فلیپ فرزندش اسکندر نقشه پدر را عملی کرد و برای ایران مسلط گردید و پس از مرگ اسکندر و رقابت سرداران او که ممالک اسکندر از هم جدا شدند دوباره کشمکش و رقابت در بلاد یونان شروع شد تا بالاخره قشون روم در رسید و قدرت مقدونیها را از بین برد و یونان را تحت ولایت خود قرار داد و از آن تاریخ یونان یکی از ایالات روم بشمار آمد ولی آنچه باقیماند تمدن یونان بود که سر مشق تمدن آتن گردید .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی